

بازخوانی باب اول بوستان سعدی با رویکرد مشروعیت بخشی در گفتمان حکومت

زهرا حیاتی*

استادیار زبان و ادبیات فارسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

فاطمه عربزاده

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۲۶)

چکیده

هدف این پژوهش، دست یافتن به ابعادی از معنا و درونمایه اشعار باب اول بوستان است که برای فهم آن باید رابطه متن را با بسترهای اجتماعی و فرهنگی که در آن تولید شده است، دریافت. روش این مطالعه، تحلیل انتقادی گفتمان است. در این رویکرد، یکی از نکات مورد تأکید این است که متن، یک کنش اجتماعی است که نابرابری‌های اجتماعی را در زبان بازتاب می‌دهد. شیوه‌های مشروعیت بخشی به یک امر یا مشروعیت زدایی از آن مورد توجه تئو ون لیوون یکی از نظریه پردازان تحلیل انتقادی گفتمان است. در این الگو، منتقد می‌کوشد تا نشان دهد متن مورد مطالعه چگونه توانسته است با قدرت اقناعی زبان، یک گفتمان را مشروع یا غیرمشروع جلوه دهد. چهار راهکار اصلی مشروعیت بخشی به گفتمان عبارت است از: ۱- اعتباربخشی، ۲- ارزش گذاری اخلاقی، ۳- عقلانی کردن و ۴- اسطوره سازی. هر یک از این چهار شیوه، اشکال متنوعی دارند و در این پژوهش، باب اول بوستان که به طور مستقیم با گفتمان حکومت مرتبط است از دید شیوه‌های مشروعیت بخشی به این گفتمان بررسی شده است. نتیجه نهایی پژوهش این است که در باب اول بوستان، روش سعدی برای مشروعیت بخشیدن به امری در گفتمان حکومت یا مشروعیت زدایی از آن، عقلانی کردن است و البته با توجه به مخاطب متن که عمدتاً دربار است، این شیوه طبیعی می‌نماید. نمونه گزاره‌هایی که سعدی در پردازش زبانی و ادبی خود، مشروعیت آن‌ها را در گفتمان حکومت تثبیت می‌کند، عبارتند از: رسیدگی به رعیت، توجه به مسافران و بازرگانان برای رونق ملک، رازداری در امور حکمرانی، همراهی با خردمندان و فرزندان و مانند آن. اما فانی بودن دنیا و بعد، توجه و رسیدگی به رعیت از بیشترین بسامد برخوردار است. در میان گزاره‌هایی که از آن‌ها مشروعیت زدایی شده است نیز ظلم به رعیت بیشتر از همه مورد تأکید قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: تحلیل انتقادی گفتمان، مشروعیت بخشی، ون لیوون، سعدی، بوستان.

* نویسنده مسئول (E.mail: hayati.zahra@gmail.com)

— E.mail: fatemearabzade98@gmail.com

مقدمه

چنانکه معروف دانش زبان‌شناسی و روش تحلیل انتقادی گفتمان است، تحلیل گفتمان به معنای عام در زبان‌شناسی نقش‌گرا ریشه دارد و در ایده مرکزی آن بر مؤلفه‌های نقش، معنا، بافت و نشانه تأکید می‌شود؛ زبان در تولید معنا نقش دارد و معنا تحت تأثیر بافت‌های اجتماعی و فرهنگی است و این فرآیند از طریق انتخاب نشانه‌های زبانی محقق می‌شود. رویکردهایی که در تحلیل گفتمان ظهور کردند به ترتیب از تحلیل توصیفی گفتمان به تحلیل انتقادی گفتمان و نظریه گفتمان رسیدند. در تحلیل توصیفی گفتمان، محقق متون زبانی را در سطح خرد تحلیل می‌کند و آن را به‌عنوان یک کنش اجتماعی در بافت در نظر می‌گیرد، اما در تحلیل انتقادی گفتمان، سطوح خرد زبانی جای خود را به بافت کلان می‌دهد و تحلیل‌گران به پیروی از نظریه‌های انتقادی مکتب فرانکفورت و جریان پسا ساخت‌گرا و اندیشه‌های فوکو، معتقدند آن‌ها یک فعال اجتماعی هستند و وظیفه اجتماعی‌شان این است که نشان دهند چگونه نابرابری‌های اجتماعی در زبان تولید و بازتولید می‌شود و چگونه زبان سبب توجیه، تثبیت یا نقد قدرت می‌شود و به آن مشروعیت می‌بخشد یا از آن سلب مشروعیت می‌کند.

تحلیل‌گران انتقادی گفتمان، باور دارند متون با شگردهای پنهان زبانی و با طبیعی‌سازی، خود را مشروع جلوه می‌دهند و کشف و تبیین این طبیعی‌شده‌ها، وظیفه پژوهشگران تحلیل انتقادی گفتمان است. بدیهی است در این روش مطالعاتی، فعالیت علمی بدون سوگیری ممکن نیست و خود تحلیل‌گر ممکن است موضع گفتمانی داشته باشد. در هر حال، نتیجه‌ای که باید از تحلیل انتقادی گفتمان حاصل شود این است که «چگونه استمرار قدرت، بازتولید آن و حتی مقاومت در برابر آن در زبان و کلام تحقق می‌یابد». اگر نتیجه درست به دست آید، چالش‌برانگیز خواهد بود و تحلیل‌گر انتقادی گفتمان به‌عنوان یک کنش‌گر اجتماعی با واکنش‌هایی مواجه خواهد شد.

کانون توجه محقق در این روش مطالعاتی رابطه «متن» با «ساختار قدرت» است که «ماهیت گفتمانی» دارد؛ و در «نظام نشانه‌ای» بروز و ظهور می‌کند، از «کارکرد ایدئولوژیک» برخوردار است، «فرهنگ» را بازسازی می‌کند، به‌جای آنکه در لحظه عمل کند و شکل انقلابی داشته باشد، «وجه تاریخی» دارد و در طول تاریخ فرهنگ یک جامعه عمل می‌کند و چون یک علم قطعی نیست به «تفسیر و تبیین» می‌پردازد همچنین چون قصد متقاعد کردن دارد، فعالیت علمی او یک «عمل اجتماعی» است که به‌جای تخریب به «تنظیم قدرت» می‌پردازد و در نهایت به «نظریه»^۱ ای روی می‌آورد که بتواند بین مفاهیم رایج قدرت، سلطه، ایدئولوژی، هژمونی، جنسیت، نژاد، نظم اجتماعی و مانند آن با «متن مورد مطالعه» ارتباط درستی برقرار کند.

با لحاظ کردن این مؤلفه‌ها در این پژوهش از میان رویکردها و نظریه‌های تحلیل انتقادی گفتمان، بحث «مشروعیت‌بخشی در گفتمان»^۱ نظریه تئوون لیوون^۲ برای بررسی باب اول بوستان که با بحث قدرت ارتباط مستقیم دارد، برگزیده شده است.

۱. بیان مسأله

پرسش اصلی تحقیق این است که در بازخوانی متن کلاسیک ادبی، چه میزان با تثبیت ساختار قدرت مواجهیم و چه میزان با نقد آن؟ و به‌طور مشخص در متنی مانند بوستان سعدی که آشکارا باب اول آن «در عدل و تدبیر و رأی» سروده شده است، چه شیوه‌هایی برای بازتولید یا بازسازی ساختارهای قدرت به کار رفته است؟ برای تحدید موضوع، ساختار قدرت در گفتمان حکومت بررسی می‌شود و تحلیل انتقادی گفتمان با بررسی فرآیندهای مشروعیت‌بخشی به گفتمان حکومت پیش می‌رود. بنابراین، پرسش نهایی این

1- Legitimation in Discourse

2- Theo Van Leeuwen

است که فرآیندهای مشروعیت بخشی به گفتمان حکومت در باب اول بوستان سعدی کدام‌ها هستند و چه معنایی را به عنوان کنش اجتماعی بازتولید می کنند؟

۲. مبنای نظری

چنانکه گفته شد یکی از رویکردهای تحلیل انتقادی گفتمان، الگوی ون لیوون است. در این الگو، تحلیل گر به رابطه زبان و جامعه توجه می کند و به مؤلفه های جامعه شناختی - معنایی که در مؤلفه های زبان شناختی پنهان شده اند، می پردازد تا فعالیت اجتماعی مؤلف را از طریق زبان متن بازنمایی کند. متن به عنوان یک عمل اجتماعی می تواند با قدرت اقناعی زبان به درک خود از یک گفتمان مشروعیت ببخشد و آن را برای دیگران باورپذیر کند. این نظریه در مقاله «مشروعیت بخشی در گفتمان و ارتباطات»^۱ (۲۰۰۷) آمده است.

چهار راهکار اصلی در مشروعیت بخشی عبارت است از: ۱- اعتبار بخشی^۲، ۲- ارزش گذاری اخلاقی^۳، ۳- عقلانی کردن^۴ و ۴- اسطوره سازی^۵. این فرآیندها که می توانند به طور جداگانه یا ترکیبی عمل کنند، علاوه بر مشروعیت بخشی به گفتمان، ممکن است وجه انتقادی داشته و از امری مشروعیت زدایی کنند. فرآیندهای فوق میان عبارتهای توصیفی و تجویزی پنهان هستند و معمولاً برجسته ترین نقاط متن را دربر می گیرند.

به طور خلاصه، اعتبار بخشی به این معنا است که متن با تأیید گرفتن از افراد دارای اعتبار به گفتمان خود مشروعیت دهد. ارزش گذاری اخلاقی؛ یعنی متن گفتمان خود را با

1- Legitimation in Discourse and Communication

2- Authorization

3- Moral Evaluation

4- Rationalization

5- Mythopoesis

ارزش‌های اخلاقی پیوند دهد. عقلانی کردن؛ روشی است که طی آن متن، گفتمان خود را با تبیین ویژگی‌هایی همچون هدف‌داری، روشمندی، تأثیرگذاری و مانند آن توجیه کند و اسطوره‌سازی؛ یعنی متن به خلق یا نقل داستان‌ها یا اسطوره‌هایی پردازد که از طریق آن هویت خود را تثبیت کند. هریک از این چهار فرآیند، اشکال خردتری دارند که طی بازخوانی باب اول بوستان شرح شده‌اند (لیوون، ۲۰۰۷: ۹۲).

۳. پیشینه پژوهش

نقد متون ادبی با رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان در فهرست کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها، رساله‌ها و مقالات سال‌های اخیر (۱۳۹۰-۱۳۹۳) نمونه‌هایی دارد، اما هیچ‌یک از آن‌ها با رویکرد مشروعیت‌بخشی به گفتمان که از نظریه ون لیوون برآمده باشد، انجام نشده است؛ مانند تحلیل گفتمان انتقادی رمان دکتر نون که زنش را بیشتر از مصدق دوست دارد به کوشش سیدعلی قاسم‌زاده و دیگران (۱۳۹۰)، بازنمایی نقش زنان در ادبیات جنگ برای کودک از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی به کوشش صدیقه‌سادات مقداری و دیگران (۱۳۹۰)، تحلیل گفتمان انتقادی هویت ایرانی در شاهنامه فردوسی به کوشش علی یوسفی و دیگران (۱۳۹۱)، کردار گفتمانی و اجتماعی در رمان مدار صفر درجه به کوشش الهام حدادی (۱۳۹۱)، تحلیل انتقادی رمان سگ و زمستان بلند به کوشش مرضیه بهبهانی و دیگران (۱۳۹۲)، تحلیل انتقادی اثری از ابراهیم گلستان به کوشش آتیه پوشنه و مرتضی بابک معین (۱۳۹۲)، تحلیل انتقادی گفتمان قصیده‌ای از سنایی به کوشش نجمه حسینی سروری (۱۳۹۳)، تحلیل انتقادی گفتمان مقامات‌های مشایخ صوفیه به کوشش مریم اکبری (۱۳۹۳) و تحلیل داستان رستم و شغاد براساس مربع ایدئولوژیک ون‌دایک به کوشش زهرا حامد شیروان و سیدمهدی زرقانی (۱۳۹۳).

پژوهش‌های مورد توجه این نوشته، دو تحلیل انتقادی گفتمان از گلستان و بوستان سعدی هستند؛ مقاله بررسی و نقد روایی گلستان براساس نظریه تحلیل انتقادی گفتمان، نوشته سیامک صاحبی و دیگران (۱۳۸۹)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مرجان فردوسی با عنوان تحلیل انتقادی گفتمان گلستان سعدی (۱۳۸۹) و پایان‌نامه‌ای که در مقطع کارشناسی ارشد و به‌منظور تکمیل این حوزه پژوهشی انجام شد با عنوان تحلیل انتقادی گفتمان حکومتی در بوستان سعدی^۱ توسط فاطمه عرب‌زاده (۱۳۹۵) تدوین شده است.

۶. تأثیر بافت اجتماعی دوره سعدی در سرایش بوستان

اساس تحلیل انتقادی گفتمان، توجه به تأثیر و تأثر میان زبان متن و بافت اجتماعی است. از این رو، باید بافت تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و عقیدتی زمان سعدی و سرودن بوستان را مرور کرد.

سعدی دوران کودکی خود را در موج اول حمله مغول (چنگیز) گذراند و گلستان را در دورانی که به موج دوم حمله مغول (هولاکو) موسوم است، تألیف کرد. شرایط نابسامان اجتماعی و رواج ناهنجاری‌های اخلاقی، بافت اجتماعی و فرهنگی تولید متن‌های گلستان و بوستان است. از خلال نوشته‌های سعدی می‌توان به رونق بازار متملقان، رواج توطئه و ناجوانمردی و قربانی شده خردمندان جامعه را مشاهده کرد (موحد، ۱۳۷۸: ۵۰-۴۶). دوره هولاکو مقارن با خلافت عباسیان در بغداد بود و تمام حکومت‌های قدرتمند یا سلسله‌های کوچک فرمانروایی برای بقای خود به تأیید رسمی خلیفه بغداد نیاز داشتند. هولاکو با اطلاع از زلزله دربار خلافت عباسی به بغداد حمله و آن را نابود کرد (بیانی، ۱۳۸۱: ۳۲۲-۳۱۸). این نابودی در بافت مذهبی

۱- نتایج پایان‌نامه فاطمه عرب‌زاده با عنوان «تحلیل انتقادی گفتمان حکومتی در بوستان سعدی» در تحلیل داده‌های پژوهش حاضر استفاده شده است.

و عقیدتی جوامع مسلمان به ویژه ایران تأثیر قابل توجهی داشت و برای مثال، باعث شد مذهب تشیع در کنار مذهب تسنن قدرت پیدا کند (شیمیزو، ۱۳۹۰: ۲۳). به بیان دیگر، تزلزل در ساختارهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و عقیدتی مؤلفه مهم این دوره است. فهرست این قبیل نابسامانی‌ها از خلال همه کتاب‌های تاریخی و ادبی قابل مشاهده است؛ از جمله: تقابل روحیه صحراگردی مغولان بدوی با شهرنشینی ایرانیان متمدن، تحقیر ایرانیان از سوی مغولان و وحشی خواندن مغولان از سوی ایرانیان، کندی تعامل مغولان و ایرانیان به سبب سوگیری‌های قومی و فرهنگی (پرگاری، ۱۳۸۱: ۶۱-۴۳)، فقدان اصول و مقررات انتصاب در دربار، تصاحب جایگاه خردمندان و صاحب‌نامان از سوی فرصت‌طلبان و منفعت‌طلبان، کاهش حس وطن‌دوستی و جایگزین شدن آن با تمایلات مذهب، رواج اندیشه جبرگرایی برای التیام کشتارها و حمله‌ها (صفا، ۱۳۷۳، ج ۳: ۹۴-۸۰)، نابود شدن کشاورزی، قتل عام نیروی مولد و کارآمد (همان: ۱۸۲)، ویران شدن کتابخانه‌ها و گریختن و کشته شدن علماء و ادباء، زوال خاندان‌های بزرگ و حکومت‌های محلی، رواج سعایت و تضریب در میان دولتمردان، قتل وزیران ایرانی به سبب دسیسه‌ها و توطئه‌ها (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۸: ۷۰-۱۱)، جایگزین شدن دربارهای سلطنتی به عنوان مراکز فرهنگی و ادبی و هنری با خانقاه‌ها یا حلقه‌های محدودی از افراد، نابودی بسیاری از متون علمی و ادبی به سبب از بین رفتن مراکز علمی و فرهنگی، فقدان حمایت از عالمان و ادیبان و از دست رفتن جایگاه آن‌ها، روی گردانی از عالمان دین و متشرعان به سبب فساد مالی و روی آوردن به صوفیان (غنی، ۱۳۸۸: ۴۳۷ و به نقل از فردوسی، ۱۳۸۹: ۷۶-۷۰)، پذیرفتن کلام اشعری به عنوان ایدئولوژی غالب به سبب توجیه آسفتگی‌ها و نابسامانی‌ها با قضا و قدر الهی و کمک به مغولان برای مشروعیت دادن به کشتارها و غارتگری‌های خود (دشتی، ۱۳۹۰: ۲۲۱)، محدود شدن دانش به علوم

الهی با رشد نهضت صوفیه، جایگزین شدن شکل‌های نامتعارف زندگی با هنجارهای اجتماعی به سبب پیدایش فرقه‌های مختلف صوفیان و پدید آمدن گروه‌هایی مانند قلندران و دراویش، رواج بدفهمی از دین به سبب رواج خانقاه‌نشینی و افزایش مصرف حشیش و مخدرات مشابه (لین، ۱۳۹۰: ۳۲۹)، توجه خاص به تهذیب اخلاق و تزکیه نفس و در پی آن، توجه به متصوفه و مشایخ و بی‌توجهی به شعرا و نویسندگان (هخامنشی، ۱۳۵۵: ۲۸) و مانند آن. حضور این فضای یأس‌آلود و رواج صوفی‌مآبی، زهدفروشی، ریا و سودجویی باعث افزایش قدرت سیاسی علمای دین، زاهدان و صوفیان در جامعه شد و بازتاب آن را به روشنی می‌توان در کلام معاصران سعدی هم مشاهده کرد.

سعدی بی‌آنکه با قدرت زبان‌آوری خود آشکارا از حمله مغول و اوضاع اجتماعی عصر خود انتقاد کند از وطن دور می‌شود. تحلیل‌هایی که در این زمینه ارائه شده به روحیه محافظه‌کار و جبرگرای سعدی ارجاع می‌دهد (فولادی، ۱۳۸۳: ۵۹-۴۲). این روحیه نیز با اندیشه جبرگرایی و توصیه فرهنگ ایرانی به صلح‌طلبی، کم‌آزاری و دوری از مواضع هلاک‌پيوند داده شده است (گرگی، ۱۳۸۶: ۱۹۷).

در اینجا یکی از مسائل پژوهش حاضر را می‌توان به شکل دیگری طرح کرد؛ فولادی معتقد است در آثار سعدی بازتاب روشنی از حمله مغول و ویرانی حاصل از آن دیده نمی‌شود، اما نصیحت حاکمان و مردمان برای رعایت اخلاق می‌تواند به غیاب نشانه دلالت کند؛ یعنی گفتمان حکومتی در وجه آشکار کلام تأیید و در وجه پنهان کلام نقد می‌شود و ما با هر دو عمل مشروعیت‌بخشی و مشروعیت‌زدایی مواجهیم. این مسأله می‌تواند با تحلیل انتقادی گفتمان حکومت از طریق واکاوی فرآیندهای مشروعیت‌بخشی به گفتمان روشن‌تر شود.

گلستان و بوستان شاهکارهایی هستند که در زمان اتابکان فارس نوشته و به سعد بن زنگی و پسرش، ابوبکر بن سعد تقدیم شده‌اند. در خلال آشوب‌های حکومت مرکزی و حمله مغول، حکومت‌های محلی یا نابود می‌شدند یا از طریق مدارا با مغولان خود را از آسیب این حملات حفظ می‌کردند. اتابکان سلغری نیز از زمان سلجوقیان با ساختار قبیله‌ای خود، شیوه‌ای از حکومت را بنا نهاده بودند که در آن آموزش و تربیت شاهزادگان را به عهده می‌گرفتند و به تدریج از مقامی برخوردار می‌شدند که می‌توانستند به استقلال دست یابند. فراگیر شدن حمله مغول مقارن حکومت ابوبکر بن سعد پس اتابک سعد بن زنگی (۶۶۰-۶۲۴ هـ.ق) است.

از تاریخ‌نگاری‌های مربوط به دوران اتابکان و امرای فارس برمی‌آید که شیراز در قرن هفتم مجمعی از تضادهای آشکار بود؛ مانند حضور چشمگیر قدرت دینی و تعداد بی‌شمار مراکز آن که در کنار فسق، ریا، فساد، دزدی، شاه‌بازی، فقر، نادانی و مانند آن چالش‌برانگیز بود. این کشمکش در اغلب متون این دوره مشاهده می‌شود (زرین کوب، ۱۳۸۶: ۱۴-۱۳). سعدی بعد از ۳۰ سال اقامت در بغداد و سرزمین‌های مختلف و پس از آنکه آشفته‌گی‌های فارس فرونشست در سال ۶۵۵ هـ.ق به شیراز بازگشت. بوستان یا سعدی‌نامه در مجموعه کلیات سعدی نخستین اثر تاریخ‌دار محسوب می‌شود. تاریخ اتمام یا تدوین این کتاب سال ۶۵۵ هـ.ق، اواخر دوران حکومت اتابک ابوبکر بن سعد است. سعدی، بوستان و همچنین گلستان را با فاصله یک سال نوشت و به اتابک ابوبکر و پسرش سعد بن ابوبکر تقدیم کرد.

بوستان منظومه‌ای تعلیمی در بحر متقارن است. انتخاب این بحر را می‌توان به دلیل هماهنگی کردن این اثر با توقع و عادات معاصران سعدی و سنت شعر فارسی دانست. بحر متقارب در نزد قدما برای سرودن منظومه‌ای اخلاقی مورد توجه بوده است (همان، ۷۸-۷۰). سعدی کتاب بوستان را با نگاهی آرمان‌گرایانه نسبت به جامعه سرود

و در آن، جامعه را آن طور که باید باشد، ترسیم کرد. پیشینه «تفکر اتوپایی» را می توان در کتب قوانین و جمهوریت افلاطون جست و جو کرد. در دوره اسلامی، اندیشه مدینه فاضله اسلامی مطرح شد که با تکیه بر برتری انسان بر کل خلقت، کمال جامعه را خداگونه شدن انسان و همبستگی مسلمین می داند. سعدی در ادامه این مسیر، آرمان شهر خود را در بوستان ترسیم می کند و عدالت را اصلی ترین محور تحقق اتوپای خود قرار می دهد (موسوی، ۱۳۸۶: ۱۱-۸).

عنوان باب های بوستان سعدی به ترتیب عبارت است از: باب اول؛ در عدل و تدبیر و رأی، باب دوم؛ در احسان، باب سوم؛ در عشق و مستی و شور، باب چهارم؛ در تواضع، باب پنجم؛ در رضا، باب ششم؛ در قناعت، باب هفتم؛ در عالم تربیت، باب هشتم؛ در شکر بر عافیت، باب نهم؛ در توبه و راه صواب و باب دهم؛ در مناجات و ختم و کتاب. مخاطب سعدی در بوستان غیر از باب اول، ناشناس است، اما در باب اول مخاطب را می توان اتابک ابوبکر دانست؛ زیرا سخن پیرامون اصول کشورداری و رعایت عدل است. همچنین سعدی از سخن تحکم آمیز و پندهای صریح در باب اول دوری می کند (زرین کوب، ۱۳۸۶: ۷۸-۷۰) و شخصیت های داستان، شاهان، وزیران و حکام روزگار هستند که سعدی از زبان آنان سخن می گوید.

با نگاهی دقیق به باب اول و حکایاتی که سعدی در آن ها حقایق تلخ اجتماعی و مظالم حکمرانان را تصویر می کند، می توان دریافت او با وجود نزدیکی به سلاطین و امرا، عملکرد آنان را نقد می کند. انتقادات سعدی به شیوه کشورداری حکام زمان خود به صورتی است که در عصر حاضر نیز صادق است. این امر شاید نشان دهنده ثابت بودن سازمان و محیط اجتماعی ما از روزگار سعدی تا امروز است (پاک مهر، ۱۳۸۷: ۱۲۲-۹۹).

نگرش سعدی در بوستان به اصلاح شیوه کشورداری در زمان خود در عین جانبداری از حکومت است و برای این امر می توان دلایلی برشمرد؛ مانند اینکه سعدی پرورده نظام

قدرت بود یا اینکه در نظامیه بغداد آموزش دیده و تحت تأثیر آموزه‌های سیاسی و اجتماعی حاکم بر آن نظام قرار داشت؛ مانند اندیشه‌های غزالی که براساس آن مذهب توسط حکومت تحکیم می‌شود و حکومت با مال رعیت پایدار می‌ماند، اما باید جانب انصاف با رعایا را نگاه داشت (همان).

۵. فرآیندهای مشروعیت‌بخشی به گفتمان حکومت در باب اول بوستان

چنانکه در بخش مبنای نظری گفته شد، چهار راهکار شناخته شده در مشروعیت‌بخشی به گفتمان، اعتباربخشی، ارزش‌گذاری اخلاقی، عقلانی کردن و اسطوره‌سازی است. هریک از این راهکارها در روش‌های خردتر قابل تعریف هستند که این بخش از پژوهش براساس تحلیل باب اول بوستان در تقسیمات چهارگانه فوق و زیرعنوان‌های آن تنظیم شده است.

۵-۱. مشروعیت‌بخشی به گفتمان حکومت با اعتباربخشی

همه گفتمان‌ها در طول تاریخ برای مشروعیت بخشیدن به خود و سلب مشروعیت از گفتمان‌های مخالف مبارزه کرده‌اند و هرگاه در این ستیز از ابزارهای گفتمانی بهره برده‌اند به پیروزی بیشتری دست یافته‌اند. پرسش‌های مقدری که در برابر مشروعیت گفتمان قرار دارد، این است که «چرا باید این کار را انجام داد؟» و «چرا باید از این شیوه استفاده کرد؟». یکی از پاسخ‌های قانع‌کننده این است که چون فلان شخص یا فلان منبع دارای اعتبار چنین می‌گوید (لیوون، ۲۰۰۷: ۹۴). اعتباربخشی از طرق مختلفی تحقق می‌یابد که نمونه‌های آن در بوستان سعدی بازیابی شده‌اند.

۵-۱-۱. اعتبار شخصی^۱

گاه مشروعیت بخشی از طریق استناد به قدرت فرد معتبر ایجاد می شود و گوینده برای متقاعد کردن مخاطب نسبت به درستی سخن خود آن را مطابق نظر یک شخص موثق می خواند و البته آن شخص هم اعتبار خود را از نهادهای اجتماعی به دست می آورد که در آن قرار گرفته است (لیوون، ۲۰۰۷: ۹۴). برای مثال، سعدی برای مشروعیت بخشیدن به امر «رسیدگی به رعیت» به شخصیت های تاریخی خسرو پرویز و شیرویه ارجاع می دهد:

شنیدم که خسرو به شیرویه گفت در آن دم که چشمش زدیدن بخت
بر آن باش تا هرچه نیت کنی نظر در صلاح رعیت کنی
(بیت ۲۳۸ و ۲۳۹)

در مثالی دیگر، «فرار از میدان جنگ» امری است که مشروعیت ندارد و سعدی این مشروعیت زدایی را با استناد به قول گرگین محقق می کند:

چه خوش گفت گرگین به فرزند خویش چو برست قربان پیکار و کیش
اگر چون زنان جست خواهی گریز مرو آب مردان جنگی مریز
(بیت ۱۰۶۲ و ۱۰۶۳)

۵-۱-۲. اعتبار تخصصی^۱

گفتمان برای مشروعیت بخشیدن به خود می‌تواند مخاطب را به دانش و تخصص ارجاع دهد؛ مانند منسوب کردن سخن به یک دانشمند یا پزشک سرشناس. استناد به دانش می‌تواند صریح یا ضمنی باشد، چنانکه بسیاری از گفتمان‌های دانشگاهی، اعتبار خود را از طریق نقل گزاره‌ای از یک دانشمند کسب می‌کنند (لیوون، ۲۰۰۷: ۹۵).

مطابق با گفتمان حکومتی بوستان، اصحاب دانش، گروه‌هایی انتزاعی و کلی مانند حکیمان، دانایان، خردمندان و مانند آن هستند. برای نمونه، سعدی برای مشروعیت دادن به این امر که «توجه به مسافران و بازرگانان موجب رونق ملک و دیار است»، کنش بزرگان را مورد استناد قرار می‌دهد:

بزرگان مسافر به‌جان پرورند که نام نکویی به عالم برند
(بیت ۲۶۱)

یا «رازداری در امور حکمرانی» با ارجاع به قول حکیمان مشروعیت می‌یابد:

ملک در دل این راز پوشیده داشت که قول حکیمان نیوشیده داشت
دل است ای خردمند، زندان راز چو گفتی نیاید به زنجیر باز
(بیت ۳۷۲ و ۳۷۳)

جهان‌دیده، شخص مورد اعتماد دیگری است که قول او در مشروعیت‌زدایی از «بی‌توجهی به مشکلات جمعی» به گفتمان حکومتی بوستان اعتبار می‌بخشد:

جهان‌دیده‌ای گفتش ای بوالهوس تو را خود غم خویشتن بود و بس؟
پسندی که شهری بسوزد به نار و گرچه سرایت بود بر کنار؟
(بیت ۶۳۲ و ۶۳۴)

بزرگان روشندل نیکبخت نیز «همراهی حکومت با خردمندی و فرزاندگی» را
توصیه می‌کنند و حکومت مورد نظر سعدی را معتبر می‌کنند:

بزرگان روشندل نیکبخت به فرزاندگی تاج بردند و تخت
(بیت ۶۹۸)

به همین طریق، شوریده‌ای در عجم «اهتمام شاه به بخشندگی و توجه به فانی بودن
دنیا» را در گفتمان حکومتی بوستان تأیید می‌کند:

چنین گفت شوریده‌ای در عجم به کسری که ای وارث ملک جم
اگر ملک بر جم بماندی و بخت تو را چون میسر شدی تاج و تخت؟
اگر گنج فارون به چنگ آوری نماند مگر آنچه بخشی، بری
(بیت ۸۲۴ تا ۸۲۶)

۳-۱-۵. اعتبار الگوهای عمل^۱

گروه‌های الگو از دل گروه‌های همسان یا از شهرت رسانه‌ای بیرون می‌آیند. در فرآیند
اعتباربخشی از طریق الگوهای عمل، مردم از نمونه‌هایی پیروی می‌کنند که غالباً بر ساخته
رسانه‌های معتبر است (لیوون، ۲۰۰۷: ۹۵). برای مثال در ادبیات کودک، «حسنی نگو یه

دسته گل» الگویی عملی است که برای ترغیب کودکان به نظافت ساخته شده است یا با تکرار این مضمون که «فلان شخص مشهور در خانواده‌ای فقیر به دنیا آمد» برای کودکان کم‌درآمد الگوسازی می‌کند (سجودی، ۱۳۹۱). البته برساختن الگوی رسانه‌ای در متن بوستان سعدی یافت نمی‌شود.

۵-۱-۴. اعتبار غیرشخص^۱

اعتبار غیرشخصی از قوانین، عرف، آداب و رسوم، سیاست‌ها، خط مشی‌ها یا عادت‌ها برمی‌آید. گفتمان با بیان گزاره‌هایی از قبیل «من این را می‌گویم چون سنت این را می‌گوید» یا «قوانین این گفته من را تأیید می‌کنند» و مانند آن به خود مشروعیت می‌دهد (لیوون، ۲۰۰۷: ۹۶). در گفتمان حکومتی بوستان، حکم شرع بهترین مشروعیت‌بخش است و «ضروری بودن همه اوامر و نواهی شرع» مؤلفه‌ای قوی است:

و گر خون به فتوی بریزی رواست	نه بر حکم شرع آب خوردن خطاست
الا تا نداری ز کشتش باک	کرا شرع فتوی دهد بر هلاک

(بیت ۴۴۶ و ۴۴۷)

۵-۱-۵. اعتبار عرفی^۲

گاه در پاسخ به پرسش «چرا» می‌گوییم «چون این چیزی است که ما همیشه انجام می‌دهیم»، یا «چون همیشه این‌طور انجام داده‌ایم». مقبولیت یافتن گفتمان از این روش، اعتبار عرفی است. این فرآیند با اعتباربخشی الگوهای عملی و اعتباربخشی غیرشخصی

1- Impersonal Authorization
2- The Authority Tradition

هم‌پوشانی دارد؛ زیرا به سنت و عرف و قانون ارجاع می‌دهد. چنین ارجاعی در متن بوستان قابل استناد نیست (لیوون، ۲۰۰۷: ۹۵).

۵-۱-۶. اعتبار انطباق و هم‌رنگ‌سازی^۱

اعتبار بخشیدن از طریق انطباق و هم‌رنگ‌سازی در پاسخ به پرسش «چرا» می‌گوید: «چون همه این‌طور عمل می‌کنند» یا «چون اغلب مردم چنین می‌کنند»؛ پیام پنهان این فرآیند این است که چون همه یا بیشتر مردم این‌طور عمل می‌کنند تو هم باید همین‌طور عمل کنی. در گفتمان‌هایی که تک‌صدایی است و حاکم شرع یا حاکم قانون یا گروه فرهیختگان درستی یا نادرستی امور را تعیین می‌کنند، ارجاع به جامعه کنونی کمتر دیده می‌شود یا اصلاً دیده نمی‌شود. شاید با تسامح بتوان گفت در متون نخبه‌محور به عامه ارجاع نمی‌شود (لیوون، ۲۰۰۷: ۹۷-۹۵).

۵-۲. مشروعیت‌بخشی به گفتمان حکومت با فرآیند ارزش‌گذاری اخلاقی

در این فرآیند ارزش‌های اخلاقی تعیین‌کننده هستند و بیشتر از اعتباربخشی‌های شخصی، غیرشخصی، عرفی و مانند آن بر توجیه و دلیل بنا شده‌اند. در بعضی موارد، صفت‌هایی مانند خوب یا بد ارزش‌های اخلاقی را نشان می‌دهند که بین اخلاق، زیبایی‌شناسی و لذت‌شناور هستند، اما در بیشتر موارد، ارزش‌گذاری اخلاقی با گفتمان مشخصی از ارزش‌های اخلاقی پیوند می‌خورد که صراحت ندارند و محل چالش هستند. این ارزش‌ها به مفاهیمی مانند سالم، عادی، طبیعی، مفید و مانند آن اشاره دارند که به یک توده یخی پنهان در آب می‌مانند و به همین سبب از نظامی که بتواند با سطح هوشیارانه‌ای آن‌ها را تفسیر کند، جدا هستند. این ارزش‌ها، گفتمان اخلاقی را به انگیزش‌هایی عمومی تبدیل می‌کنند. در نتیجه برای شناخت این نوع

1- The Authority of Conformity

ارزش‌های اخلاقی، ابزارهای زبان‌شناختی وجود ندارد. در مقام یک تحلیل‌گر گفتمان فقط می‌توان آن‌ها را از طریق دانش عمومی فرهنگ یا حس مشترک فرهنگی تشخیص داد. در بازشناسی ارزش‌گذاری اخلاقی، تحلیل‌گفتمان زبان‌شناسانه جای خود را به پژوهش‌های گفتمان تاریخی می‌دهد. تاریخ‌نگاران اجتماعی و فرهنگی می‌توانند زمینه‌های مورد تأکید را نشان دهند (لیون، ۲۰۰۷: ۹۸).

۵-۲-۱. ارزش‌گذاری اخلاقی با صفات^۱

بسیاری از ارزش‌ها تخصیصی و اسنادی هستند و هم به ویژگی‌های اعمال و اشیاء توجه می‌کنند هم درونمایه‌های اخلاقی را از طریق اصطلاحاتی ارائه می‌دهند که به حوزه ارزش‌ها دلالت می‌کنند؛ ستایشی که با جنبه‌های کاربردی و عملی آمیخته است و نمونه آن، صفاتی مانند سبز یا طلایی یا خُک (خوشایند) است. این صفات ارزش‌های اخلاقی را غیرمستقیم نشان می‌دهند و می‌کوشند در برابر بحث و جدل از آن حفاظت کنند (لیون، ۲۰۰۷: ۹۸). این نوع مشروعیت‌بخشی با بیان گزاره‌هایی مانند یک امر طلایی است، یا نفرت‌برانگیز است، یا تهوع‌آور است؛ و مانند آن، نوعی طبیعی‌سازی را دربردارد و مخاطب را متقاعد می‌کند که طبیعتاً این‌گونه است.

ادبیات کلاسیک و به ویژه نوع ادبیات تعلیمی از این شیوه ارزش‌گذاری بسیار استفاده می‌کند. در بوستان سعدی هم شاعر حتی هنگامی که شیوه‌ای دیگر را برای مشروعیت بخشیدن به سخن خود به کار می‌گیرد از صفات اخلاقی استفاده می‌کند و بار ارزشی کلام خود را بیشتر می‌کند. در بیتی شیوه‌کشورداری موردنظر خود را با آوردن صفتی در جایگاه مبتدا توجیه می‌کند:

1- Adjectives

خنک آن که آسایش مرد وزن گزیند بر آرایش خویشتن
(بیت ۵۲۱)

در بیتی دیگر ذهن مخاطب را با نسبت دادن مجموعه‌ای از صفات پسندیده به شخصیت مورد تأیید خود از ابتدای حکایت به سمتی هدایت می‌کند که تا انتهای متن، عملکرد این شخصیت زیر سؤال نمی‌رود:

عرب دیده و ترک و تاجیک و روم زهر جنس در نفس پاکش علوم
جهان گشته و دانش اندوخته سفر کرده و صحبت آموخته
به هیکل قوی چون تناور درخت ولیکن فرو مانده بی برگ سخت
(بیت ۳۱۱ تا ۳۱۳)

در میان ابیات بوستان نمونه‌هایی نیز به چشم می‌خورد که سعدی بار ارزشی منفی را وسیله‌اندازگویی خود قرار می‌دهد؛ این ارزش‌گذاری منفی یا از طریق صفات ضداخلاقی یا وصف اعمال ضداخلاقی منتقل می‌شود. به عبارت دیگر، مشروعیت‌زدایی می‌کند:

نگه کرد رنجیده در من فقیه نگه کردن عاقل اندر سفیه
که مردارچه بر ساحل است ای رفیق نیاساید و دوستانش غریق
(بیت ۶۲۲ و ۶۲۳)

۲-۲-۵. ارزش‌گذاری اخلاقی با قیاس^۱

یکی دیگر از روش‌های بیان ارزش‌های اخلاقی، قیاس-مقایسه با گفتمان مشروع یا غیر مشروع- است. در این فرآیند، پاسخ به پرسش «چرا» این است که «چون شبیه فعالیت‌های گفتمانی دیگری است که مشروعیت دارند» یا «چون شبیه فعالیت‌هایی نیست که با ضد ارزش‌ها همراه هستند». مقایسه، گاه آشکار است گاه پنهان؛ مانند قیاس کردن مدرسه با خانه یا مقایسه دانشگاه با پادگان (لیوون، ۲۰۰۷: ۹۹).

از آنجا که در بیشتر متون تعلیمی اساس قیاس، یک مشبه، ملموس و محسوس است، کمتر با قیاس گفتمانی مواجه هستیم. برای مثال، در بیتی که طی آن، خشم سلطان و صدور حکم هنگام عصبانیت را سرزنش می‌کند، سعدی مخالفت خود با این نوع رفتار را از طریق تشبیه این کار به شکستن گوهری ارزشمند نشان می‌دهد:

چو خشم آیدت بر گناه کسی تأمل کنش در عقوبت بسی
که سهل است لعل بدخشان شکست شکسته نیاید دگر بار بست
(بیت ۳۰۸ و ۳۰۹)

۳-۵. مشروعیت‌بخشی به گفتمان حکومت با فرآیند عقلانی کردن

در فرآیند ارزش‌گذاری اخلاقی، عقلانیت در پس‌زمینه قرار دارد و در فرآیند عقلانی کردن نیز اخلاق به نحوی ضمنی و پوشیده حضور دارد. به عبارت دیگر، عقلانی کردن بدون ارجاع به ارزش‌های اخلاقی کارکرد مشروعیت‌بخشی ندارد. در این فرآیند دو گونه اصلی قابل تشخیص است؛ مشروعیت‌بخشی از طریق عقلانی کردن ابزاری که با ارجاع به اهداف، کاربردها و تأثیرات یک عمل محقق می‌شود و مشروعیت‌بخشی از

طریق عقلانی کردن نظری که به نظم طبیعی امور ارجاع می‌دهد و از دیگر راهکارهای طبیعی‌سازی صریح‌تر است (لیوون، ۲۰۰۷: ۱۰۱-۱۰۰).

۵-۳-۱. عقلانی کردن ابزاری^۱

یک گفتمان با توضیح اهداف یک عمل یا ابزاری که برای آن به کار گرفته می‌شود یا تأییراتی که به دنبال دارد به آن مشروعیت می‌دهد. به همین سبب، عقلانی کردن ابزاری در دو نوع بازشناسی می‌شود:

الف- هدف محوری^۲: در این فرآیند هدفی که دارای ارزش باشد و مردم آگاهانه یا ناآگاهانه آن را قبول داشته باشند مورد توجه قرار می‌گیرد. در عقلانی کردن یک گفتمان با توجیه اهداف آن، نخست باید عاملیت فرد به‌عنوان فاعل هدفمند بیان شود، سپس هدفداری عمل تبیین شود.

ب- وسیله محوری^۳: در این فرآیند، عمل با روشی که انجام می‌پذیرد، مشروعیت می‌یابد و عامل اهمیت چندانی ندارد. تعبیرهایی مانند به‌وسیله، از طریق، با استفاده از و مانند آن در این جا به کار می‌روند.

ج- تأییر محوری^۴: گاه عقلانی کردن یک عمل با توجیه تأییرات آن عمل محقق می‌شود (لیوون، ۲۰۰۷: ۱۰۱-۱۰۰).

سعدی در فرآیند عقلانی کردن گزاره‌های دلخواه خود بیشتر از ارجاع به تأییر کارها استفاده می‌کند و بیشتر تأییر عملکرد افراد را گوشزد می‌کند. این تأییر در صورتی که مثبت یا منفی باشد، آن عمل مشروع شده یا از آن مشروعیت‌زدایی می‌شود. در حقیقت او بیشتر از اینکه به خود عمل یا ابزار انجام عمل توجه داشته باشد بر نتیجه آن تأکید می‌کند.

1- Instrumental Rationalization

2- Goal-oriental

3- Mean-oriental

4- Effect-oriental

در این نمونه، توجه به دهقان به این دلیل رفتاری مناسب معرفی می‌شود که تأثیر آن کارایی بهتر دهقان است:

مراعات دهقان کن از بهر خویش که مزدور خوش دل کند کار بیش
(بیت ۲۳۷)

یا در بیتی دیگر، شاه را از ظلم به مردم زیردست برحذر می‌دارد؛ زیرا تأثیر نارضایتی مردم و نفرین آن‌ها را بیشتر از حمله نظامی و ویرانی حاصل از آن می‌داند:

خرابی کند مرد شمشیر زن نه چندان که دود دل طفل و زن
چراغی که بیوه‌زنی برفروخت بسی دیده باشی که شهری بسوخت
(بیت ۲۴۴ و ۲۴۵)

و در مثال آخر، سعدی ملایمت با دشمن را به‌عنوان شیوه‌ای برای حکومتی با آرامش و موفقیت می‌داند و نظر خود را با استناد به تأثیر مهربانی در انسان‌ها مشروع می‌کند:

عدورا به‌جای خشک در بریز که احسان کند کند دندان تیز
(بیت ۹۹۷)

بعد از توجه به تأثیر اعمال، سعدی هدف یا ابزار انسان‌ها در انجام کارهایشان را دلیلی برای رد یا تأیید کارهایشان می‌داند؛ هدف سلطنت را رسیدن به نام نیک می‌داند و وسیله رسیدن به آن را عدل معرفی می‌کند. در سویه مقابل؛ یعنی فرآیند

مشروعیت زدایی، گردآوردن مال در جایگاه هدف قرار می‌گیرد و ظلم را شیوه رسیدن به این هدف مطرح می‌کند:

به حکم نظر در به افتاد خویش	گرفتند هر یکک، یکی راه پیش
یکی عدل تا نام نیکو برد	یکی ظلم تا مال گرد آورد
یکی عاطفت سیرت خویش کرد	درم داد و تیمار درویش کرد

(بیت ۶۶۶ تا ۶۶۸)

در مثالی دیگر، عملکرد لشکریان پیر و جوان را مقایسه می‌کند که هدف هر دو گروه شکست دشمن است، اما هر گروه با توجه به شرایط خود این هدف را دنبال می‌کنند:

در آرند بنیاد رویین ز پای	جوانان به نیروی و پیران به رای
---------------------------	--------------------------------

(بیت ۱۰۱۷)

در ادامه سعدی بار دیگر شکست دشمن را به عنوان هدف مطرح می‌کند، اما این بار دو راه برای رسیدن به یک هدف پیش پای مخاطب قرار می‌دهد:

میان دو بد خواه کوتاه‌دست	نه فرزانگی باشد ایمن نشست
... یکی را به نیرنگ مشغول دار	دگر را برآور ز هستی دمار
اگر دشمنی پیش گیرد ستیز	به شمشیر تدبیر خونش بریز
برو دوستی گیر با دشمنش	که زندان شود پیرهن بر تنش

(۱۰۸۱ تا ۱۰۸۵)

۵-۳-۲. عقلانی کردن نظری^۱

در عقلانی کردن نظری، مشروعیت‌بخشی بر اینکه آیا عمل به لحاظ اخلاقی متقاعدکننده است یا هدفمند و مؤثر، بنا نشده، بلکه مهم، درستی سرشت آن‌ها است (The Way Things Are). بنابراین، عقلانی کردن نظری به طبیعی‌سازی نزدیک‌تر است.

سه راهکار عقلانی کردن نظری عبارت است از: ۱- تعریف^۲؛ یعنی گفتمان، یک عمل را براساس عمل دیگر تعریف کند؛ چنانکه بگوییم «مدرسه رفتن»، «بزرگ شدن» است. ۲- تبیین^۳؛ یعنی گفتمان در پاسخ به پرسش «چرا» توضیح دهد که «زیرا انجام این کار به این شیوه مناسب طبیعت کنش‌گران است» و ۳- پیش‌بینی^۴؛ یعنی گفتمان براساس تجربه، نتیجه عمل را پیش‌بینی کند و برای مثال بگوید: اگر کودک شما در روز اول مدرسه گریه می‌کند، نگران نباشید، زیاد طول نمی‌کشد (لیوون، ۲۰۰۷: ۱۰۵-۱۰۳).

برگر^۵ و لاکمن^۶ به دو نوع دیگر از عقلانی کردن نظری نیز اشاره می‌کنند: تجربی^۷ و علمی^۸. در عقلانی کردن تجربی، گوینده درباره جنبه‌های کاربردی و واقع‌گرایانه عمل توضیح می‌دهد و در عقلانی کردن علمی، گوینده بر مبنای علمی عمل تأکید می‌کند که هم علوم مدرن در این فرآیند لحاظ می‌شوند و هم نظام عمومی دانش (برگر و لاکمن، ۱۹۶۶: ۱۱۲ و به نقل از لیوون، ۲۰۰۷: ۱۰۱-۱۰۰).

- 1- Theoretical Rationalization
- 2- Definition
- 3- Explanation
- 4- Prediction
- 5- Berger
- 6- Luckmann
- 7- Experiential
- 8- Scientific

در مفهوم تبیین، نمونه‌های بسیاری می‌توان در ژرف ساخت حکایت‌های بوستان یافت، اما مثالی که بتواند در یک بیت سازوکار این فرآیند را نشان دهد، تعداد محدودی دارد:

سفرکردگان لابلالی زیند که پروده ملک و دولت نیند
(بیت ۳۵۵)

در این بیت سعدی از زبان یکی از شخصیت‌های حکایت، طبیعت و قاعده زندگی مسافران را بی‌نظمی و لابلایی گری است. یا در بیتی دیگر پادشاهان دارای تدبیر و شکوه را افرادی صبور توصیف می‌کند:

خداوند فرمان و رای و شکوه ز غوغای مردم نگرده ستوه
سر پر غرور از تحمل تهی حرامش بود تاج شاهنشهی
(بیت ۴۴۰ و ۴۴۱)

کاربرد شیوه تعریف در متون تعلیمی هم‌زمان سعدی را می‌توان در طرح شباهت میان امور دنیایی و کارهای معنوی یافت. وقتی سعدی عبادت را همان خدمت به خلق می‌داند در حقیقت رسیدگی به مردم را با عمل مشروعی مانند عبادت برجسته می‌کند:

عبادت بجز خدمت خلق نیست به تسیح و سجاده و دلخ نیست
تو بر تخت سلطانی خویش باش به اخلاق پاکیزه درویش باش
(بیت ۵۴۳ و ۵۴۴)

در میان راهکارهای موجود در فرآیند عقلانی کردن نظری، سعدی بیشتر از پیش‌بینی استفاده می‌کند. همچنین در میان تمام فرآیندهای مطرح شده از سوی لیون سعدی بیشتر از سایر فرآیندها این شیوه را به عنوان ابزار مشروعیت‌بخشی به آراء خود مورد استفاده قرار می‌دهد.

از میان آنچه به عنوان پیش‌بینی آینده در ابیات سعدی مطرح است، فانی بودن دنیا و رهسپار شدن انسان‌ها به سوی قیامت بیشتر از همه خودنمایی می‌کند:

کنونت که دست است خاری بکن
دگر کی بر آری تو دست از کفن؟
بتابد بسی ماه و پروین و هور
که سر برنداری ز بالین گور
(بیت ۸۰۸ و ۸۰۹)

و در بیتی دیگر مخاطب را برای دیدن سرانجام اعمالش بیم می‌دهد:

نصیحت به‌جای است اگر بشنوی
ضعیفان می‌فکن به کتف قوی
که فردا به داور برد خسروی
گدایی که پشت نیززد جوی
(بیت ۶۹۳ و ۶۹۴)

کن که فردا که دیوان نهند
منازل به مقدار احسان نهند
(بیت ۵۶۴)

در ابیات دیگر موضوعات متنوعی با این فرآیند مشروع شده‌اند. از جمله نابودی کشور بر اثر ظلم حکومت:

مکن تا توانی دل خلق ریش و گر می کنی می کنی بیخ خویش
(بیت ۲۲۴)

یا در امور کشوری و لشکری سرانجام انتصاب کارگزاران نامناسب را گوشزد می کند:

عمل گردهی مرد منعم شناس که مفلس ندارد ز سلطان هراس
چو مفلس فرو برد گردن به دوش از او بر نیاید در گر جز خروش
(بیت ۲۷۷ و ۲۷۸)

گرت مملکت باید از استه مده کار معظم به نخواستہ
(بیت ۱۰۵۰)

چو پرورده باشد پسر در شکار نترسد چو پیش آیدش کارزار
(بیت ۱۰۵۶)

یا نتیجه جنگ و عملکرد سپاهیان را پیش بینی می کند:

چو بینی که یاران نباشند یار هزیمت ز میدان غنیمت شمار
(بیت ۱۰۶۸)

سپاهی که عاصی شود در امیر ورا تا توانی بخدمت مگیر
ندانست سالار خود را سپاس تو را هم ندارد ز غدرش هراس
(بیت ۱۱۰۴ و ۱۱۰۵)

۵-۴. مشروعیت‌بخشی به گفتمان حکومت با فرآیند اسطوره‌پردازی

مشروعیت‌بخشی گاه از طریق قصه‌گویی محقق می‌شود. برای مثال، در قصه‌های اخلاقی، قهرمان برای انجام عمل اجتماعی که مشروعیت دارد، پاداش دریافت می‌کند یا اینکه داستان به نظم طبیعی و قانون اولیه بازمی‌گردد و یا در قصه‌های پندآموز گفته می‌شود اگر از هنجارها پیروی نکنید، چه اتفاقی برای شما رخ خواهد داد و مانند آن (لیون، ۲۰۰۷: ۱۰۷). سجودی در ترجمه و شرح این فرآیند می‌گوید اسطوره‌پردازی قوی‌ترین فرآیند مشروعیت‌بخشی است؛ چون با حجم تاریخی همراه است. تولید قصه برای بقای یک گفتمان ضروری است و در ایجاد نظم نوین باید از طریق تاریخ و اسطوره هویت‌سازی کرد و نشان داد که نظم تازه یک امر حادث نیست و مشروعیت آن از پیش بنا نهاده شده است. در دوره‌های مختلف تاریخی، بنا به تفاوت گفتمان‌های مسلط، بخش‌های مختلفی از داستان‌ها مورد توجه قرار می‌گیرند؛ چنانکه در دوره‌ای که ملی‌گرایی دغدغه اصلی جامعه است، اسطوره‌های ملی بازتولید می‌شود و در دوره‌ای دیگر برای مشروعیت بخشیدن به گفتمان‌های دینی و عقیدتی به داستان‌های مذهبی رجوع می‌شود. اسطوره‌ها می‌توانند از طریق رسانه‌های نوین تولید شوند و برخوردار از تاریخ کهن، تنها ضرورت اسطوره‌پردازی برای مشروعیت‌بخشی نیست.^۱

در بررسی فرآیند اسطوره‌سازی دو نوع اسطوره و قصه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در داستان‌های اسطوره‌ای به شخصیت‌ها و وقایع تاریخی یا اسطوره‌ای که سعدی برای بیان مقصود خود از آن‌ها استفاده کرده و آن‌ها را به صورت مطلوب خود بازتولید کرده، توجه می‌شود. در حکایتی، اسطوره‌ای دینی بازتولید می‌شود و سعدی داستان زندگی حضرت یوسف و رسیدن او به مقام عزیزی مصر در طول یک سال را دلیلی برای صبر

۱- برگرفته از یادداشت‌های نویسنده در کارگاه آموزشی تحلیل گفتمان، مدرس: فرزانه سجودی. شهر کتاب. ۱۳۹۹

شاه در شناخت افراد هنگام انتصاب آن‌ها معرفی می‌کند (بیت ۳۳۳ و ۳۳۴). در حکایت مرزبان ستمگر با زاهد، سعدی قهرمان داستان را به‌عنوان فردی با افکار و عمل درست معرفی می‌کند که در جامعه خود محبوب است و در مقابل، ضدقهرمان ستمکاری با اعمالی ناپسند قرار می‌گیرد. سعدی ارزش‌های موردنظر خود را در نتیجه اعمال این دو شخصیت بیان می‌کند (بیت ۵۶۹ تا ۵۹۱) یا در حکایت برادر ظالم و عادل که به‌وضوح تقابل نیکی و بدی از عنوان حکایت نیز آشکار می‌شود، برادر عادل‌ی که نتیجه عمل نیک او آبادانی ملکش است و برادر ظالم او که در پایان بیدادگری‌هایش ملکش را از دست می‌دهد (بیت ۴۵۷ تا ۶۸۷).

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از داده‌های این پژوهش را می‌توان به این صورت خلاصه کرد:

- * سعدی از میان پنج فرآیند مطرح شده از سوی ون لیوون، بیشتر از فرآیند عقلانی کردن استفاده می‌کند. با توجه به مخاطب این باب، پادشاهان و شاهزادگان و محتوای آن؛ یعنی آداب کشورداری به نظر می‌رسد بهترین شیوه برای اقناع مخاطب است.
- * در میان گزاره‌هایی که در این باب مشروع شده‌اند؛ ابتدا فانی بودن دنیا و بعد از آن، توجه و رسیدگی به رعیت بیشتر بسامد را دارند و در میان گزاره‌هایی که از آن‌ها مشروعیت‌زدایی شده ظلم به رعیت بیشتر از همه مورد تأکید قرار گرفته است.
- * در نگاهی به موضع‌گیری سعدی در مقابل شخصیت‌های حاضر در این متن و با توجه به گزاره‌هایی که او سعی در مشروع کردن آن‌ها دارد، جانبداری او از حکومت و حکومتیان است. صفات پسندیده‌ای که به آن‌ها تعلق می‌گیرد و یا حکایت‌هایی که خبر از سرانجام نیک پادشاهان عادل دارد. رعیت و به‌طور کلی گروه اجتماعی مقابل حکومت در بیشتر این متن موضوع صحبت سعدی نیستند.

* نکته دیگری که می‌توان با کمک این رویکرد به آن پی برد، محافظه‌کاری و کوشش سعدی در جانبداری مستقیم از گروهی خاص در جامعه است. او در بیشتر ابیات برای مشروع کردن سخنان خود یا به شخصیت‌های تاریخی و مذهبی که در زمان او حضور ندارند، ارجاع می‌دهد یا به افرادی با صفات کلی مانند دانا و خردمند که متعلق به گروه یا قشر خاصی نیستند، اشاره می‌کند.

منابع

- اقبال آشتیانی، عباس. (۱۳۸۸). *تاریخ مغول*. تهران: امیرکبیر.
- بیانی (اسلامی ندوشن)، شیرین. (۱۳۸۱). *دین و دولت در ایران عهد مغول*. ج ۲. ج ۱ و ۲. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- پاک‌مهر، عمران. (۱۳۸۷). اندیشه‌های سیاسی و حکومتی سعدی در بوستان و گلستان. *نژوهشنامه علوم انسانی*. ش ۵۸. ۹۹-۱۲۲.
- پرگاری، صالح. (۱۳۸۱). چاو نماد بحران در سیاست دینی ایلخانان. *نشریه علوم انسانی دانشگاه الزهراء*. ش ۴۳. ۶۱-۴۳.
- دشتی، علی. (۱۳۹۰). *قلمرو سعدی*. به اهتمام مهدی ماحوزی. تهران: زوار.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۶). *حدیث خوش سعدی*. تهران: سخن.
- سعدی، مصلح بن عبدالله. (۱۳۸۷). بوستان. تصحیح غلامحسین یوسفی. چ ۹. تهران: خوارزمی.
- شیمیزو، ناومی. (۱۳۹۰). *معیارهای اخلاقی در آثار سعدی*. تهران: انتشارات علمی - فرهنگی.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۳). *تاریخ ادبیات در ایران*. ج ۳. ب ۱. چ ۱۱. تهران: فردوسی.

غنی، قاسم. (۱۳۸۸). *تاریخ عصر حافظ (تاریخ فارس و مضافات و ایالات مجاور در قرن هشتم)*. تهران: زوار.

فردوسی، مرجان. (۱۳۸۹). تحلیل گفتمان انتقادی گلستان سعدی. استاد راهنما: نسرین فقیه ملک مرزبان. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا.

فولادی، مهناز. (۱۳۸۳). تأثیر حمله و حکومت مغول بر شعر فارسی. استاد راهنما: محمدسرور مولایی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا.

گرچی، مصطفی؛ زهرا حیاتی و سیدمحسن حسینی موخر. (۱۳۸۶). *اصول مشترک هویت ایرانی از خلال متون عرفانی، از هویت ایرانی*. تهران: انتشارات سوره مهر. صص ۲۰۶-۱۹۱.

لین، جورج. (۱۳۹۰). *ایران در اوایل عهد ایلخانی*. ترجمه ابوالفضل رضوی. تهران: امیرکبیر.

موحد، ضیاء. (۱۳۷۸). *سعدی*. تهران: طرح نو.

موسوی، مهرالسادات. (۱۳۸۶). آرمان شهر سعدی. *رشد آموزش و پرورش زبان و ادب فارسی*. ش ۸۴، ۱۱-۸.

هخامنشی، کیخسرو. (۱۳۵۵). *حکمت سعدی*. تهران: امیرکبیر.

Leewen, Van. (2007). *Legitimation in Discourse and Communication*. London, Los Angeles, New Dehli and Singapore.

Berger, p. and Luckman. T. (1966). *The Social Construction of Reality*. Harmondsworth: Penguin.